

ارتباط فقر با قانون‌گزیزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی

صمد کلانتری*، رسول ربانی**، کامران صداقت***

مقاله حاضر به بررسی ارتباط ابعاد فقر با قانون‌گزیزی شهروندان می‌پردازد و فرضیه اصلی آن این است که فقر و قانون‌گزیزی آسیب‌های عمده اجتماعی هستند که در تعامل با هم می‌باشند و هر چه شدت فقر افزایش یابد هنجارها، قوانین و ساختارهای تنظیم‌کننده روابط اجتماعی انسان‌ها ضمانت اجرایی خود را از دست می‌دهند. از این رو براساس نظریه ساختاری فرصت مرتن، بوم‌شناختی برگس، تکنیک خنثی‌سازی ساترلند و نظریه تضاد به تحلیل ارتباط ابعاد فقر با قانون‌گزیزی پرداخته شد.

جامعه آماری بررسی حاضر شهروندان تبریز و حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۶۷۰ نفر بود که نمونه‌ها به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای استخراج شدند و گردآوری داده‌ها با پرسش‌نامه و مصاحبه صورت گرفته که عمده‌ترین نتایج آن به شرح زیر است:

۹۰ درصد از شهروندان در ۶ ماه دوم سال ۸۳ حداقل یکبار قانون‌گزیزی کرده‌اند. با این وجود قانون‌گزیزی یک آسیب اجتماعی جدی است و با پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهروندان در ارتباط است و طبقه فقیر جامعه شهری میزان قانون‌گزیزی بیشتری دارند. همچنان‌که براساس مدل رگرسیونی به ترتیب فقر اقتصادی - اجتماعی، فقر نگرشی به قانون، فقر دینی، فقر فرهنگی و فقر شهروندی بسترهای مساعدی را برای قانون‌گزیزی و توجیه اعمال قانون‌گزیزانه فراهم می‌کند و فرد را در موقعیت‌های هدف‌یابی به مکانیسم‌های خنثی‌سازی هدایت می‌کند تا به روش‌های فردی و غیرهنجاری

* دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان <Kalantari_Samad@yahoo.fr>

** دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

*** دکترای جامعه‌شناسی

عمل نماید..

کلیدواژه‌ها: آسیب اجتماعی، فقر، قانون‌گریزی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴/۶/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴/۲/۳

مقدمه

قانون‌گریزی یکی بیماری مسری است که در حال حاضر بخش اعظمی از مردم کشور به آن مبتلا شده‌اند (نجفی توانا، ۱۳۸۱: ۱۲) و ریشه آن عدم نظم‌پذیری است که به دلیل گسترش فقر و شکاف طبقاتی است. زیرا نظم‌پذیری مختص اشخاصی است که حداقل نیازهای طبیعی، فرهنگی و اجتماعی‌شان تأمین شده باشد. (همان: ۱۳) در مقابل نظم‌گریزی مترادف با قانون‌گریزی است که عوارض آن قانع نبودن شخص به حقوق خود، تعرض به حقوق دیگران، عدم انجام تکلیف، گریز از مسئولیت و وصول به مقصود به هر طریق ممکن است.

از این‌رو در شرایط نظم‌گریزی عملاً انواع آسیب‌ها حیات اجتماعی را تهدید می‌کند که عوامل چندگانه و عمده‌ای در آن دخیل‌اند. بنابراین در مقاله حاضر به گزارش مصادیق نظم‌گریزی و میزان قانون‌گریزی شهروندان به عنوان نمودی از آسیب اجتماعی پرداخته‌ایم و ارتباط فقر با قانون‌گریزی را بر اساس نظریه بوم‌شناسی مکتب شیکاگو، ساختار فرصت رابرت مرتن، نظریه نابهنجاری دورکیم، خنثی‌سازی ساترلند، تله فقر رابرت چمبرز و نظریه تضاد تبیین کرده‌ایم. در این مقاله منظور از فقر صرفاً جنبه اقتصادی و معیشتی آن نیست بلکه فقر فرهنگی، فقر مدنیت (شهروندی) و فقر دینی را نیز شامل می‌شود. یافته‌های تجربی مقاله نیز حاصل مطالعه پیمایشی بر روی شهروندان تبریز است که در حوزه‌های متفاوت طبقات شهری اجرا شده است.

۱) بیان مسئله

پایبندی و دل‌بستگی افراد جامعه به قوانین و اجرای صحیح آن‌ها و یا بی‌اعتنایی به قوانین و شانه‌خالی کردن از اجرای درست آن‌ها دارای آثار و نتایج آشکار و پنهان در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. اساساً آسیب‌های اجتماعی ناشی از روابط انسانی است که جامعه را به طور جدی تهدید می‌کند و یا تحقق نیازمندی‌ها و تقاضاهای افراد کثیری را مانع می‌گردد. آسیب اجتماعی وقتی به وجود می‌آید که به نظر می‌رسد نهادهای تنظیم‌کننده روابط بین افراد با شکست روبرو شده و دچار تزلزل شوند که نتیجه آن شکل‌گیری شکاف‌های عمیق بین افراد است. بنابراین در چنین شرایطی شاهد دوگانگی انسان‌ها از نظر وضعیت

فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی خواهیم بود که باعث می‌شود افرادی که از توانمندی پائینی برخوردارند به تقاضاها و تأمین نیازمندی‌های خود در چارچوب نهادهای مدنی دسترسی پیدا نکنند. در این وضعیت قوانین تنظیم‌کننده روابط انسان‌ها مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند و متزلزل می‌شوند. چرا که قانونمندی و پذیرش قانون ریشه در ساختارهای جامعه دارد و در رابطه با فرهنگ عمومی جامعه قابل بررسی است. گرایش شهروندان به قانون و اجرای آن نیز در گرو داشتن آمادگی جسمانی (عدم فقر جسمانی)، آگاهی (عدم فقر فکری) و احساسی (عدم احساس تبعیض) است. زیرا در صورت عدم رعایت قانون که بخشی از آن وابسته به فقر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است می‌تواند وضعیت کلی اجتماع را دچار انواع دشواری‌ها نموده و ساختارهای اقتصادی نامطلوب و بی‌عدالتی‌ها و به طور کلی نارضایتی و نابسامانی عمومی را سبب شود و در نهایت منجر به ورشکستگی دایره انسجام اجتماعی و در هم گسیختگی نظام اجتماعی گردد، الزامات و مؤلفه‌ها و مهارت‌هایی که در جامعه مدنی ضروری است شکل نگیرد و در نهایت موجبات آسیب‌های اجتماعی را فراهم آورد که نمونه‌هایی از آن‌ها عبارتند از: تشکیل گروه‌های فشار، عدم توجه به بهداشت امکان، ایجاد آلودگی‌های صوتی و دیداری، عدم حفظ امکان عمومی، آسیب رساندن به وسایط نقلیه عمومی، از بین بردن حرمت افراد جامعه، بی‌توجهی به قوانین راهنمایی و رانندگی و نیز پرداختن به مشاغل غیرقانونی. (ماهرویی، ۱۳۸۱: ۱۳)

از این‌رو در تبیین قانون‌گریزی بر اساس فقر نمی‌توان صرفاً به بعد اقتصادی آن توجه کرد. زیرا فقر شهروندی و نیز فقر فرهنگی و اجتماعی نیز به عنوان ابعاد دیگری از فقر هستند که در گسترش و شیوع آسیب‌های اجتماعی اهمیت اساسی دارند. در این مقاله سعی شده است مصادیق قانون‌گریزی بر مبنای حوزه‌های فقر فرهنگی، اجتماعی و شهروندی تشریح شود. در این زمینه پرسش اساسی این است که تا چه حد فقر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و شهروندگرایی آمادگی افراد را برای قانون‌گریزی فراهم می‌آورند و باعث شکل‌گیر فرهنگ قانون‌گریزی می‌شوند.

۲) تعریف مفاهیم و متغیرها

۲-۱) میزان قانون‌گریزی

عبارت است از نادیده گرفتن قواعد رفتاری و هنجارها که دارای ضمانت‌های اجرایی رسمی می‌باشند. شیوع تکرار این رفتار، میزان قانون‌گریزی افراد را تعیین می‌کند. (ماهرویی، ۱۳۸۱؛ مؤمنی، ۱۳۸۱؛ ابطحی، ۱۳۷۵؛ قنبری، ۱۳۷۵) مانند عدم پرداخت مالیات، اشتغال بدون مجوز، بی‌توجهی به علائم راهنمایی و رانندگی و... که در این

مطالعه ۲۱ مصداق عینی برای قانون‌گزینی که گروه وسیعی از شهروندان را پوشش می‌دهد پس از تعیین اعتبار انتخاب شد و در مقیاس فاصله‌ای طبق معادله زیر سنجیده شد:

تکرار موارد قانون‌گزینی در طول ۶ ماه دوم سال

۱۳۸۳×۱۰۰

کل موارد احتمال قانون‌گزینی

۲-۲) طبقه اقتصادی - اجتماعی

عبارت است از جایگاه منزلتی و توانمندی اقتصادی گروهی از افراد در سلسله مراتب قشربندی اجتماعی که طبق شاخص نام - پاورز (Nam-Powers) از روی معیارهای وجهه شغلی، درآمد و امکانات رفاهی تعیین می‌شود و از طریق رتبه‌گذاری معیارهای فوق و جمع این رتبه‌ها محاسبه می‌شود. (میلر، ۱۳۸۰: ۳۹۴)

۲-۳) فقر فرهنگی

منظور از فقر فرهنگی به زعم جیمز کلمن عبارت است از نداشتن ارتباط متقابل مستمر با خانواده و نیز منزلت اجتماعی پائین که ناشی از عدم احساس امنیت در کنش متقابل اجتماعی می‌باشد. مانند: کم‌توجهی خانواده، طلاق والدین، اعتیاد والدین، کم‌سوادی والدین و... (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۴۰)

۲-۴) شهروندی

سطح برقراری ارتباط با نهادهای جامعه و توانایی تحلیل مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی همراه با مراقبت از محیط زندگی خود می‌باشد (Richards, 2004:8). مانند: دانستن اسامی مدیران ارشد شهری، پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و ...

۲-۵) نگرش دینی

عبارت است از وضعیت اعتقادی، احساسی، ادراکی و عاطفی انسان در مواجهه با امر قدسی (خداوند) هنگام انجام فعالیت‌های روزانه. مانند: اعتقاد داشتن به معاد و پاسخگویی به اعمال خود. (جلالی مقدم، ۱۳۷۹: ۴۰)

۲-۶) نگرش به قانون

عبارت است از ارزیابی فایده و انتظار فایده از رعایت قانون و حقوق دیگران (رفیع‌پور، ۱۳۷۱: ۲۶). مانند: این احساس که رعایت قانون باعث احساس موفقیت می‌شود. یا قانون در همه جا وجود دارد یا قانون به نفع همه مردم است.

۳) مبانی نظری

زندگی اجتماعی انسان به وسیلهٔ هنجارها، قوانین، و مقررات اداره می‌شود. اگر افراد جامعه به قوانین و مقررات و هنجاری‌های اجتماعی که رفتار آن‌ها را به عنوان مناسب و نامناسب تعریف می‌کنند، مقید نباشند، فعالیت انسان متوقف یا دچار هرج و مرج خواهد شد. (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۱) آن‌گاه نظم اجتماعی مختل می‌شود و در آن صورت افراد جامعه با هنجاری‌های اجتماعی که مبین نظم اجتماعی است هم‌نوا نگردیده و مرتکب رفتارهای انحرافی و انواع قانون‌شکنی‌ها می‌شوند. در این میان اگر جامعه دارای تضاد طبقاتی و شیوع فقر در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باشد؛ شدت نادیده گرفتن مبانی ارزش‌ها، هنجارها و قوانین از طرف افراد بیشتر می‌شود که پیامدهای آن نیز گسترش آسیب‌های اجتماعی در حوزه‌های مختلف روابط متقابل افراد جامعه است. (همان منبع)

در این زمینه دورکیم معتقد است که وقتی نوسانات شدید اقتصادی همهٔ ابعاد زیستی را دچار نابسامانی می‌کند، تنظیم اجتماعی سست می‌شود و میزان قانون‌گرایی در جامعه اوج می‌گیرد. به زعم دورکیم نوسانات شدید اقتصادی که منجر به گردآوری ناگهانی ثروت و یا از دست رفتن آن می‌شود، تأثیر قاطع‌تری دارد و از نظر زمانی برای دوران طولانی‌تری فرآیند انطباق اجتماعی و اطاعت از قوانین و عرف را به عنوان نیروهای اجتماعی کاهش می‌دهد، زیرا موجب تغییر ناگهانی ارزش‌های اجتماعی می‌شود، و در مردم حالت سردرگمی عارض می‌شود. (مؤمنی، ۱۳۸۱: ۳۲)

به طوری که نوسانات شدید اقتصادی و بی‌هنجاری اقتصادی شکاف طبقاتی را افزایش می‌دهد و در این حالت اکثریت افراد جامعه قادر به تأمین نیازمندی‌های خود نمی‌شوند و در تلهٔ فقر گرفتار می‌گردند. (چمبرز، ۱۹۹۸: ۸۳) و سعی می‌کنند با توسل به وسایل مختلف در راستای هدف‌گذاری‌های جامعه حرکت نکنند که در نتیجه انواع قانون‌گرایی‌ها و قانون‌شکنی‌ها شکل می‌گیرد.

۳-۱) نظریه ساختاری فرصت، فقر و قانون‌گرایی

رابرت مرتن در نظریه ساختاری فرصت توضیحات جامعه‌شناختی متقاعدکننده‌ای در مورد ارتباط فقر با قانون‌گرایی ارائه می‌کند. او استدلال می‌کند، جامعه‌ای که تأکید زیادی بر موفقیت مادی دارد و میزان دارایی را معیار موفقیت افراد می‌شناسد، ثروت

به عنوان يك هدف فرهنگي و اجتماعي شناخته مي‌شود و غالب مردم عملاً مي‌پذيرند كه موفقيت، قاطعانه با معيار ثروت و ماديّات سنجيده مي‌شود. از آنجا كه قشر كوچكي در جامعه دسترسي گسترده‌اي به امكانات و اهداف مالي دارند، ولي قشر وسيع‌تري دسترسي ناچيزي به شيوه‌هاي درآمدزا، آنچنان كه موافق و مطلوب معيارهاي سنجش موفقيت باشند، مي‌يابند. بنا بر اين براي گروه مردم (فقرا) ابزار و هدف اجتماعي بر هم منطبق نيستند. اين گروه هدف را مطلوب مي‌داند ولي امكان دسترسي به آن را ندارد. از نظر مرتن در اين شرايط مردم فقير به روشهاي مختلف سعي بر انطباق اجتماعي مي‌نمايند. سعي اين افراد در گزينش شيوه‌هاي انطباق با هدف اجتماعي ممكن است به طيفي از رفتارهاي مختلف، از قبيل فراهم آوردن امكانات جديد براي خود كه مورد قبول جامعه نيست و يا روي‌آوري به رفتارهاي غيرقانوني براي كسب درآمد و ثروت باشد. در مجموع از نظر مرتن وقتي فقر در جامعه گسترش مي‌يابد كه جامعه ابزار و امكانات توليد ثروت را يكسان توزيع نمي‌نمايد و استعداد و توانايي اعضاي جامعه براي تلاش مشروع نيز به طور يكسان پرورش نمي‌يابد. بنا بر اين در اين شرايط بايد انتظار داشت كه فقرا براي تطبيق پذيري، رفتارهاي غيرقانوني بيشتري براي پاسخگويي تقاضاها و رفع نيازهاي ضروري خود انجام دهند. (عبداللهي، ۱۳۷۸: ۱۲۷؛ مؤمني، ۱۳۸۱)

مرتن استدلال مي‌كند كه در شرايط نابهنجار فوق افراد فقير با توجه به باورها، اعتقادات و قدرت تفكر و تحليل رفتار خود و بعضي ويژگي‌هاي فردي ديگر بر رفتارهاي تخلف‌آميز و غيرقانوني صحنه مي‌گذارند و يا به آن عمل مي‌كنند كه نتيجه آن تضعيف قانون و عادي جلوه دادن قانون‌گريزي است. در چنين اوضاعي كه قانون‌گريزي عادي جلوه داده مي‌شود، آسیب اجتماعي در حوزه‌هاي عمومي ارتباطات انساني گسترش مي‌يابد و بخش عظيمي از رفتار قانون‌گريزانه شخص از حيطه كنترل وي خارج مي‌شود كه هرچه سطح ناتواني و يا احساس ناتواني و فقر فرد بيشتري باشد دليل‌تراشي براي قانون‌گريزي او نيز افزايش مي‌يابد كه روان‌شناسان اجتماعي به آن تكنيك خنثي‌سازي گويند.

منظور از تكنيك خنثي‌سازي در قانون‌گريزي توسط افراد اينست كه اكثر افراد به‌طور روزمره و براي امور مختلف در مراكز دولتي، حوزه‌هاي عمومي زندگي و كسب و كار به توجه قانون‌شكني بر اساس انكار مسؤليت شخصي مي‌پردازند و قانون‌شكني را حق عقب‌ماندگي يا ناتوان بودن خود مي‌دانند كه مي‌توانند به بازده‌هاي مثبت رسند. (صالح، ۱۳۷۸: ۱۱۷) اگر مكانيسم خنثي‌سازي نيز به‌طور عام شكل گيرد، آنگاه فرهنگ قانون‌گريزي شكل مي‌گيرد كه از نظر ساترلند براساس الكوي انتقال فرهنگي، رفتارهاي غيرقانوني از طريق كنش متقابل به ديگران آموخته مي‌شود و نوعي

فرهنگ قانون‌گریزی مبتنی بر توجیه زرنگی شکل می‌گیرد که به دنبال فرهنگ فقر انواع رفتارهای بزهارانه و مجرمانه را نیز تقویت می‌کند. (گر، ۱۳۷۹: ۲۴)

۲-۳) تبیین ارتباط فقر با قانون‌گریزی در نظریه بوم‌شناختی

نظریه بوم‌شناختی به تحلیل سیستمی از میزان‌های قانون‌گریزی و جرم که به لحاظ جغرافیایی در یک شهر یا سکونت‌گاه توزیع می‌شوند اشاره می‌کند. در این نظریه میزان‌های قانون‌گریزی و مصادیق آن اغلب به صورت نقشه ترسیم شده و با سایر ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنان در ارتباط گذاشته شده است. یکی از پیش‌فرضهای اساسی نظریه بوم‌شناسی که در مکتب شیکاگو توسعه یافته است این است که آن دسته از حوزه‌های درون شهرهای تجاری و صنعتی که به لحاظ اجتماعی دچار بی‌سازمانی شده‌اند ارزش‌ها و سنت‌های قانون‌شکنی و روی‌آوری به رفتارهای بزهارانه را توسعه می‌دهند. براساس نظریه برگس مناطق طبیعی شهر مخصوصاً منطقه انتقالی به‌وسیله شاخص‌های ویژه‌ای نظیر سطح بالای تحرک و تراکم جمعیت، ویرانی خانه‌ها، تنگ بودن کوچه‌ها و خیابان‌ها، پائین بودن سطح بهداشت عمومی اماکن و نیز وجود گروه‌های خرده فرهنگی همراه با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پائین ساکنین این مناطق مشخص می‌شوند؛ که نسبت به سایر مناطق شیوع رفتارهای قانون‌گریزانه و اعمال خرابکارانه بیشتر است. (ممتاز، ۱۳۸۱: ۸۸)

۳-۳) تبیین ارتباط فقر با قانون‌گریزی بر اساس نظریه تضاد

در نظریه تضاد رفتار قانون‌گریزانه از یک تقلا و نزاع میان طبقات بالای جامعه که مالک ابزار تولید هستند و افراد طبقه پائین که فاقد ابزار تولیدند شکل می‌گیرد. در این نظریه به زعم کارل مارکس بیشتر بزهاریه‌ها و رفتارهای قانون‌شکنانه به وسیله طبقات پائین انجام می‌شود و این نه به دلیل تمایل و علل روان‌شناختی مربوط به فقرا و طبقات پائین است بلکه به علت محدودیت‌هایی است که از طریق طبقه مسلط بر ابزار و نهادهای قدرت بر طبقات پائین و فقرا اعمال می‌شود. به‌زعم این نظریه وجود تضادهای گسترده در جامعه و طبقاتی شدن انسان‌ها، باعث می‌شود تا افراد طبقه پائین دچار از خودبیگانگی شوند و از خودبیگانگی که به معنی احساس از دست دادن کنترل بر زندگی اجتماعی است احتمال اعمال قانون‌گریزانه را برای فرد فراهم می‌آورد که به‌طور جبری انجام می‌شود. از نظر مارکس در چنین فرآیندی افراد فقیری که دچار از خودبیگانگی می‌شوند به احساس پوچی، بی‌قدرتی، بیزاری از خود، بی‌اعتمادی و خشونت می‌رسند که پیامد چنین وضعیتی باعث اخلاق‌زدایی و بی‌توجهی به ارزش‌های هنجاربخش جامعه می‌شود. تا جایی که افراد طبقه پائین و

فقیر به انکار ارزش‌های اساسی جامعه، هنجارهای اجتماعی و استانداردهای تثبیت شده رفتار می‌پردازند. (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۹-۵۸) زیرا جهت‌گیری قوانین و نظام وضع آن را به خود نسبت نمی‌دهند و با قوانین هنجاربخش به‌عنوان بیگانه برخورد می‌کنند.

۴-۳) تحلیل ارتباط فقر فرهنگی با قانون‌گریزی

بی‌سوادی و کم‌سوادی، ناآگاهی و جهل به قانون، تعدد و تنوع خرده فرهنگ‌ها و توزیع و استفاده نابرابر از امکانات و خدمات آموزشی و فرهنگی در سطوح محلی و ملی و گسترش روزافزون ارتباطات فراملی، به پیدایش و تشدید تفاوت‌ها و تعارضات عقیدتی، ارزشی و هنجاری در بین افراد و گروه‌های اجتماعی منجر می‌گردد. (عبداللهی، ۱۳۷۸: ۱۲۷) در چنین شرایطی افراد و گروه‌های اجتماعی اگر از نظر خانوادگی نیز دچار نابسامانی باشند، بر سر تشخیص اهداف و راه‌های نیل به اهداف دچار سرگردانی می‌شوند و از نظر اخلاق نظری و اخلاق عملی دچار تعارض می‌گردند و بر هنجارها و قواعد عمل نمی‌کنند و انگیزه مشارکت در امور عام‌المنفعه و خیر عمومی را از دست می‌دهند. این افراد در جهت نیل به اهداف فردی با صرف هزینه‌های عمومی به خودخواهی خود ادامه می‌دهند و از جامعه انتقام می‌گیرند. (صالحی، ۱۳۷۸؛ عبداللهی، ۱۳۷۸)

در مجموع بر اساس جمع‌بندی نظریه‌های بیان شده؛ برای تعیین چگونگی قانون‌گریزی و عوامل مرتبط با آن سوالات و فرضیه‌های زیر مطرح شده‌اند.
- عمده‌ترین موارد قانون‌گریزی شهروندان کدام‌ها هستند؟
- سطح قانون‌گریزی از نظر مجموع موارد قانون‌گریزی در بین شهروندان چقدر است؟

فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

- میزان قانون‌گریزی شهروندان بر اساس طبقه اقتصادی - اجتماعی آنان متفاوت است.
- میزان قانون‌گریزی شهروندان تابع میزان فقر اقتصادی - اجتماعی، فقر فرهنگی، نگرش منفی به قانون، فقر شهروندی، نگرش دینی و تحصیلات آنان است.

۴) روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک مطالعه پیمایشی (Survey) و از نظر زمانی یک مطالعه مقطعی (Cross Sectional) می‌باشد که گردآوری داده‌ها به روش مصاحبه و با پرسشنامه انجام شده است.

۱-۴) جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری بررسی حاضر شامل کلیه شهروندان بالغ شهر تبریز می‌باشند که در سال ۱۳۸۳ تعداد آنان برابر ۷۲۰ هزار نفر می‌باشد که از بین آن‌ها طبق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران با خطای ۰/۰۱ و دقت برآورد $d = 0/05$ و حداکثر واریانس $pq = 0/25$ حدود ۶۷۰ نفر نمونه پس از بلوک‌بندی کردن مناطق تبریز و با در نظر گرفتن تناسب حجم نمونه در هر طبقه، به طور تصادفی ساده از درون بلوک‌ها انتخاب شدند.

۲-۴) نحوه سنجش سازه‌ها (Constructs)

۲-۴-۱) پایگاه اقتصادی - اجتماعی

طبق معیار شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی نام - پاورز و با جمع رتبه‌های شغلی (۴ تا ۱) + رتبه دارایی و امکانات منزل (۴ تا ۱) + رتبه درآمد (۴ تا ۱)، در مقیاس رتبه‌های محاسبه شد.

۲-۴-۲) فقر فرهنگی

طبق معیار جیمز کلنن و با در نظر گرفتن موارد فوت یکی از والدین، طلاق والدین، کم‌توجهی خانواده، ناتوانی جسمی، سابقه کیفری، نزاع و درگیری در خانواده، مورد سوءاستفاده قرار گرفتن، غیبت مدام یکی از والدین، داشتن والدین معتاد، در مقیاس رتبه‌های سنجیده شد.

۲-۴-۳) میزان شهروندگرایی

این سازه در مقیاس فاصله‌ای و براساس طیف لیکرت سنجیده شد که عمده‌ترین معرف‌های آن عبارتند از: توانمندی شرکت در مباحث سیاسی، کار با رایانه، ارسال نامه الکترونیکی، تحلیل مسائل فرهنگی، همکاری با سازمان‌های غیردولتی، پذیرش مسئولیت اجتماعی، دانستن اسامی نمایندگان شهر، استفاده از کارت‌های اعتباری، پس‌انداز ۱۰ درصد از درآمد خود و خواندن سرود ملی.

۲-۴-۴) نگرش دینی شهروندان

این سازه با ۱۰ گویه (Item) در مقیاس فاصله‌ای و براساس طیف لیکرت سنجیده شد که دامنه نمرات طیف بین صفر تا ۱۰۰ تعیین گردید.

۲-۴-۵) نگرش به قانون

با ۱۰ گویه و مطابق تکنیک طیف لیکرت در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شد که دامنه طیف بین صفر تا ۱۰۰ می‌باشد.

۳-۴) اعتبار (Validity) و روایی (Reliability) سؤالات و گویه‌ها

اعتبار سؤالات از طریق تکنیک تحلیل عاملی و براساس ضرایب بار عاملی آن‌ها در هر یک از سازه‌های زیربنایی تعیین شد که به دنبال آن نیز از طریق تکنیک گروه‌های شناخته شده برای تعیین اعتبار محتوایی سؤالات و گویه‌ها استفاده شد.

۴-۴) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری شده با نرم‌افزار آماری Spss تجزیه و تحلیل شدند. برای توصیف صفت‌های کمی از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و برای توصیف صفت‌های کیفی درصد محاسبه شد. برای تعیین ارتباط سطوح پایگاه اقتصادی - اجتماعی با قانون‌گریزی، نگرش به قانون و شهروندگرایی از آزمون‌های پارامتری F و در نهایت برای تبیین چند متغیری قانون‌گریزی از روی متغیرهای مستقل مانند رتبه پایگاه اقتصادی - اجتماعی، فقر فرهنگی، شهروندگرایی، نگرش دینی، نگرش به قانون و سطح تحصیلات از رگرسیون چندگانه (Multiple Regression) استفاده شده است.

۵) یافته‌ها

در مطالعه حاضر ۵۴/۸ درصد از پاسخگویان مؤنث و ۴۵/۲ درصد مذکر بودند که میانگین سن آن‌ها $35 \pm 14/3$ سال با حداقل ۱۸ و حداکثر ۸۷ سال بود. از نظر وضعیت تأهل ۳۷ درصد مجرد و ۶۳ درصد متأهل و از نظر تحصیلات ۷ درصد بی‌سواد، ۷ درصد دارای سواد ابتدایی، ۱۰/۴ درصد تحصیلات راهنمایی، ۳۸/۴ درصد دبیرستان و دیپلم، ۱۱/۸ درصد فوق‌دیپلم، ۲۰/۶ درصد لیسانس و ۴/۸ درصد فوق‌لیسانس و دکترا بودند.

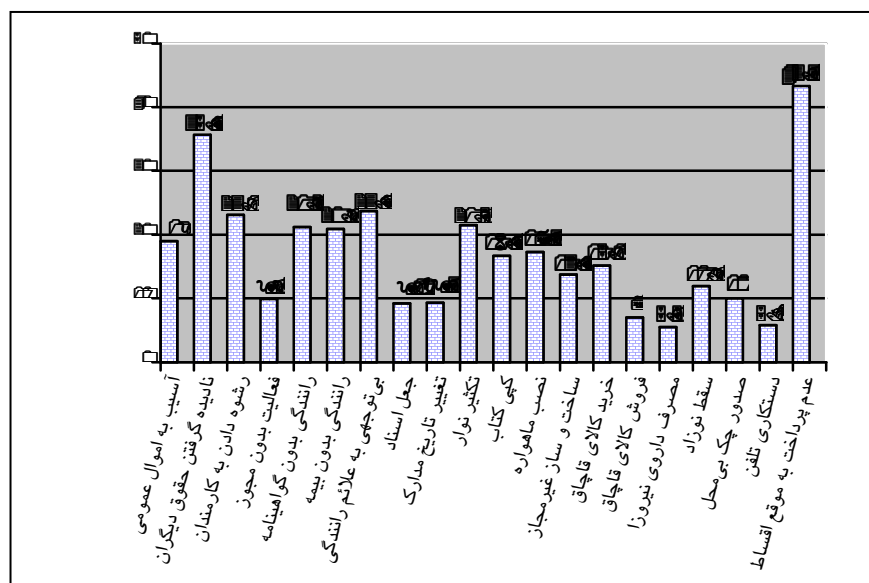
۱-۵) وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد مورد مطالعه

در مطالعه حاضر وضعیت اقتصادی بر مبنای شغل، درآمد و میزان دارایی خانوادگی افراد مورد مطالعه طبق شاخص رتبه‌گذاری پایگاه اقتصادی - اجتماعی نام - پاورز (Nam-Powers) سنجیده شده است. که در نهایت ۳۱/۳ درصد در طبقه پائین (فقیر)، ۶۰/۷ درصد متوسط و ۷/۹ درصد در طبقه بالا (مرفه) قرار گرفتند.

۲-۵) توزیع فراوانی موارد قانون‌گریزی شهروندان

عمده‌ترین موارد قانون‌گریزی توسط شهروندان طبق نمودار شماره ۱ عبارتند از: نادیده گرفتن حقوق دیگران، عدم پرداخت به موقع اقساط وام‌ها و کپی‌برداری یا تکثیر غیرمجاز نوارهای صوتی و تصویری بوده است. در مقابل کمترین نسبت موارد قانون‌گریزی استفاده از داروهای نیروزای غیرمجاز، خرید و فروش کالای قاچاق، انجام فعالیت شغلی بدون اخذ مجوز بوده است و سایر مصادیق قانون‌گریزی نیز در نمودار فوق درج شده است. در مجموع ۹۰ درصد از شهروندان مورد مطالعه حداقل یکبار در طول ۶ ماه دوم سال ۸۳ قانون‌گریزی داشته‌اند که درصد بسیار بالایی است.

نمودار ۱: توزیع فراوانی قانون‌گریزی شهروندان



۵-۳) توزیع پراکندگی میزان قانون‌گریزی شهروندان

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۱ متوسط نمرات قانون‌گریزی شهروندان بر اساس مؤلفه‌های مندرج در نمودار شماره ۱، ۳۹/۷۹ با انحراف استاندارد ۱۸/۳۹ به دست آمده است به طوری که حداقل میزان قانون‌گریزی صفر و حداکثر ۱۰۰ می‌باشد که در مجموع میزان قانون‌گریزی در بین شهروندان یک آسیب جدی تلقی می‌شود زیرا سطح

شیوع آن نسبتاً بالا می‌باشد. به‌طوری‌که با مقایسه نمرات گرایش به قانون ملاحظه می‌شود هنجار مندی قوانین و ضمانت‌های اجرایی آن از نظر شهروندان به‌طور نسبی در حد پایینی ارزیابی شده است.

جدول ۱: توزیع پراکندگی قانون‌گریزی شهروندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
قانون‌گریزی	۶۷۰	۳۹/۷۹	۱۸/۳۹	۱/۴۲۲	۲/۰۷۲	۰	۱۰۰

۴-۵) توزیع پراکندگی نمرات نگرش به قانون

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۲ میانگین گرایش به قانون و ارزیابی کارکردهای آن در جامعه توسط شهروندان برابر ۴۲/۴۷ به‌دست آمده است به‌طوری‌که حداقل نگرش در بین شهروندان صفر و حداکثر ۱۰۰ می‌باشد و نمرات قانون‌گرایی از پراکندگی بالایی برخوردار است ولی توزیع سطح قانون‌گرایی طبق آزمون اسمیرنوف-کولموگروف نرمال است یعنی شهروندان از نظر نگرش به قانون در طیف وسیعی قرار دارند. که در جمع‌بندی نهایی میزان نگرش به قانون پایین‌تر از حد متوسط است. زیرا حد متوسط ۵۰ می‌باشد.

جدول ۲: توزیع پراکندگی نمرات نگرش به قانون

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
نگرش به قانون	۶۷۰	۴۲/۴۷	۲۴/۸۷	۰/۵۶۷	-۰/۲۲۳	۰	۱۰۰

۵-۵) توزیع پراکندگی میزان شهروندگرایی شهروندان

میزان شهروندگرایی شهروندان مورد مطالعه ۴۲/۳ درصد با انحراف استاندارد ۲۶/۳ و حداقل صفر و حداکثر ۱۰۰ بوده است که در مجموع میزان شهروندگرایی کمتر از حد متوسط است ولی توزیع پراکندگی نمرات شهروندگرایی طبق آزمون اسمیرنوف-کولموگروف نرمال است. یعنی افراد با درجه بالا و پائین حدود ۳۲ درصد و افراد با درجه شهروندگرایی متوسط ۶۸ درصد می‌باشند.

جدول ۳: توزیع پراکندگی میزان شهروندگرایی شهروندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
شهروندگرایی	۶۷۰	۴۲/۳۵	۲۶/۳۱	۰/۱۰۹	-۰/۹۴۵	۰	۱۰۰

۵-۶) توزیع پراکندگی نگرش دینی شهروندان

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۴ میزان نگرش دینی شهروندان به طور متوسط ۷۰/۲۸ درصد با حداقل گرایش ۳ و حداکثر ۱۰۰ به دست آمده است که در مجموع سطح گرایش دینی شهروندان در حد متوسط به بالا می‌باشد.

جدول ۴: توزیع پراکندگی نگرش دینی شهروندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
نگرش دینی	۶۷۰	۷۰/۲۸	۱۷/۵۱	-۱/۱۶۶	۲/۴۷۳	۳/۶۴	۱۰۰

۵-۷) توزیع پراکندگی فقر فرهنگی شهروندان

همچنان‌که قبلاً در این مقاله اشاره شد، در سطح خرد فقر فرهنگی عبارت از قرار گرفتن در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که فرد به طور مستقیم یا غیرمستقیم دچار آن است. مثل بی‌سوادی والدین یا بی‌سرپرستی و... که طبق اطلاعات جدول شماره ۵ میانگین سطح فقر فرهنگی برابر ۴/۵۷ با انحراف استاندارد ۷/۳۸ می‌باشد که حداقل نمره فقر فرهنگی صفر و حداکثر ۴۵/۴۵ به دست آمده است. از این رو با در نظر گرفتن متوسط جامعه ملاحظه می‌شود فقر فرهنگی از نظر آسیب‌های فرهنگی تعداد کمی از شهروندان را تهدید می‌کند ولی در بین آن‌ها شهروندانی هستند که به شدت دچار فقر فرهنگی هستند که سطح قانون‌گریزی این دسته از شهروندان در مدل رگرسیونی ارائه شده است.

جدول ۵: توزیع پراکندگی فقر فرهنگی شهروندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
فقر فرهنگی	۶۷۰	۴/۵۷	۷/۳۸	۲/۱۳	۵/۷	۰	۴۵/۴۵

۵-۸) مقایسه میزان قانون‌گریزی بر اساس وضعیت اقتصادی (فقیر، متوسط، مرفه) از آنجا که میزان قانون‌گریزی در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده است بنابراین از تحلیل واریانس برای مقایسه سه طبقه اقتصادی، اجتماعی استفاده کردیم که طبق اطلاعات جدول شماره ۷ متوسط قانون‌گریزی طبقه فقیر $22/7 \pm 27/61$ ، طبقه متوسط $16/7 \pm 14/4$ و طبقه مرفه $16/4 \pm 12/4$ به‌دست آمده است که طبق معیار $F=31/6$ و $p=0/000$ اختلاف قانون‌گریزی در سه طبقه معنی‌دار است. قانون‌گریزی نسبت به سایر طبقات در طبقه فقیر بیشتر است و لی بین طبقه متوسط و بالا تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. $p=0/218$

۵-۹) مقایسه نگرش به قانون بر اساس طبقه اقتصادی - اجتماعی شهروندان همچنین طبق اطلاعات جدول شماره ۶ میانگین گرایش به قانون‌گرایی در بین شهروندان طبقه پایین (فقیر) $2 \pm 40/12$ ، طبقه متوسط $25/3 \pm 42/64$ و طبقه بالا (مرفه) $26/8 \pm 50/46$ است که طبق معیار $F=3/7$ و $p=0/025$ اختلاف نگرش به قانون‌گرایی بر اساس طبقه اقتصادی - اجتماعی شهروندان معنی‌دار است و به ترتیب بیشترین نگرش در طبقه بالا و کمترین در طبقه پایین (فقیر) است.

۵-۱۰) مقایسه میزان شهروندگرایی افراد بر اساس طبقه اقتصادی - اجتماعی شهروندان بر اساس اطلاعات جدول شماره ۶ و مطابق با آزمون تحلیل واریانس انجام شده ملاحظه می‌شود که میزان شهروندگرایی افراد طبقه پایین (فقیر) $21 \pm 28/25$ ، طبقه متوسط $25 \pm 46/3$ و طبقه بالا $23/6 \pm 67/86$ است که طبق معیار $F=31/6$ و $p=0/000$ تفاوت شهروندگرایی بر اساس طبقه اقتصادی - اجتماعی معنی‌دار است و سطح شهروندگرایی افراد طبقه پایین بیش از دو طبقه دیگر است.

جدول ۶: تحلیل واریانس برای مقایسه قانون‌گریزی، گرایش به قانون و میزان شهروندگرایی

بر اساس طبقه اقتصادی - اجتماعی شهروندان

P	F	میانگین مجذورات درون‌گروه	میانگین مجذورات بین‌گروه	اشتباه معیار	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	طبقه	
0/000	31/60	309/89	9793/17	1/57	22/78	27/61	210	فقیر	قانون‌گریزی
				0/71	14/39	16/71	407	متوسط	

				۲/۲۵	۱۶/۴۰	۱۲/۴۲	۵۳	بالا	
				۰/۷۱	۱۸/۳۹	۱۹/۷۹	۶۷۰	کل	
۰/۰۲۵	۳/۷۰	۶۱۳/۶۸	۲۲۷۶/۱۱۵	۱/۵۹	۲۳/۱۲	۴۰/۱۲	۲۱۰	فقیر	نگرش به قانون
				۱/۲۵	۲۵/۳۱	۴۲/۶۴	۴۰۷	متوسط	
				۳/۶۸	۲۶/۸۰	۵۰/۴۶	۵۳	بالا	
				۰/۹۶	۲۴/۸۷	۴۲/۴۷	۶۷۰	کل	
۰/۰۰۰	۷۲/۳۹	۵۷۰/۴۹	۴۱۲۹۸/۸	۱/۴۴	۲۰/۹۹	۲۸/۲۵	۲۱۰	فقیر	شهروندگرایی
				۱/۲۵	۲۵/۲۷	۴۶/۳۰	۴۰۷	متوسط	
				۳/۲۵	۲۳/۶۶	۶۷/۸۶	۵۳	بالا	
				۱/۰۱	۲۶/۳۱	۴۲/۳۵	۶۷۰	کل	

۵-۱۱ عوامل قانون‌گریزی شهروندان

بر اساس آزمون رگرسیون چندمتغیری به روش (Enter) و مطابق با جدول شماره ۷ در تبیین میزان قانون‌گریزی شهروندان از روی مجموع متغیرهای مستقل موجود فرضیه شماره ۲، ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی چندگانه برابر $R = ۰/۶۳۶$ و ضریب تبیین $R^2 = ۰/۴۰۴$ و ضریب تبیین خالص $\bar{R}^2 = ۰/۴۰۱$ به‌دست آمده است. یعنی از روی متغیرهای مستقل معنی‌دار موجود در مدل می‌توان تا حدود ۴۰ درصد واریانس قانون‌گریزی شهروندان را تبیین کرد. در این بین طبق ضرایب بتای استاندارد شده متغیرهای مستقل ملاحظه می‌شود پایگاه اقتصادی - اجتماعی با بتای $\beta = -۰/۲۴۵$ ، میزان گرایش دینی با $\beta = -۰/۱۷$ ، فقر اجتماعی با $\beta = ۰/۱$ ، نگرش به قانون با $\beta = -۰/۰۹$ و میزان شهروندگرایی با $\beta = -۰/۰۸$ به ترتیب بیشترین سهم را در میزان قانون‌گریزی شهروندان دارند که ارتباط متغیرهای مستقل با وابسته نیز طبق تحلیل واریانس معادله رگرسیونی خطی است ($F=۱۶/۰۵$ ، $p=۰/۰۰۰$). در مجموع فقر اقتصادی - اجتماعی، پائین بودن نگرشی به قانون، پائین بودن نگرش دینی، فقر فرهنگی و فقر شهروندی تأثیر معنی‌داری بر قانون‌گریزی شهروندان دارند و گزینه فقر در ابعاد مختلف خود سیستمی را تشکیل می‌دهد که فرد را برای قانون‌گریزی و عدم احساس مسئولیت در برابر قانون آماده می‌سازد که این خود تعامل چند وجهی انواع آسیب‌های

اجتماعی را فراهم می‌آورد که در معادله‌ی زیر و براساس ضرایب بتای استاندارد شده مدل قانون‌گریزی برآزش شده است.

$$\text{قانون‌گریزی} = (\text{نگرش دینی}) ۰/۱۷ - (\text{پایگاه اقتصادی- اجتماعی}) ۰/۲۴۵ - (\text{شهروندگرای}) ۰/۰۸ - (\text{نگرش به قانون}) ۰/۰۹ - (\text{فقر فرهنگی}) ۰/۱۰ +$$

جدول ۷: تبیین قانون‌گریزی شهروندان براساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی، فقر اجتماعی،

نگرش به قانون، میزان شهروندگرایی، میزان نگرش دینی و تحصیلات

شاخص‌های آماری	ضریب همبستگی	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص	اشتباه معیار
مدل ۱	چندگانه	۰/۴۰۴	۰/۴۰۱	برآورد مدل
مقادیر	۰/۶۳۶	۰/۴۰۴	۰/۴۰۱	۱۷/۲۰۳۹۴

جدول ۸: ضرایب بتاهای متغیرهای مستقل مؤثر بر قانون‌گریزی شهروندان

متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		Sig.	t
	B	Std.Error	Beta			
مقدار ثابت	۴۰/۷۱۹	۴/۵۲۵			۰/۰۰۰	۸/۹۹۸
نگرش به قانون	-۰/۰۶۶	۰/۰۳۰	-۰/۰۹۰		۰/۰۳۰	۲/۱۷۸
شهروندگرایی	-۰/۰۵۷	۰/۰۳۳	-۰/۰۸۲		۰/۰۴۸	-۱/۷۴۳
نگرش دینی	-۰/۱۷۹	۰/۰۴۳	-۰/۱۷۰		۰/۰۰۰	-۴/۱۴۴
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	-۲/۲۰۲	۰/۳۸۷	-۰/۲۴۵		۰/۰۰۰	-۵/۶۹۱
فقر فرهنگی	۰/۲۴۷	۰/۰۹۲	۰/۱۰۰		۰/۰۰۷	۲/۶۹۶
تحصیلات	۰/۵۶۸	۰/۵۷۷	۰/۰۴۷		۰/۳۲۵	۰/۹۸۵

متغیر وابسته: قانون‌گریزی

۶ نتیجه‌گیری

با توجه به این‌که هدف عمده، تبیین قانون‌گریزی براساس حوزه‌های ابعاد فقر بود؛ بنابراین در مؤلفه‌بندی فقر به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نگرشی و کنترلی درونی در قالب مفهوم نگرش دینی پرداخته شد. قانون‌گریزی نیز براساس مصادیق و موارد عمده آن از قبیل آسیب‌رسانی به اموال عمومی، نادیده گرفتن حقوق مردم، رشوه

دادن و رشوه گرفتن، اشتغال بدون مجوز، رانندگی بدون مجوز و بیمه، بی‌توجهی به علانم محیطی، جعل اسناد و مدارک، کپی کردن لوازم فرهنگی، قاچاق کالا، سقط نوزاد، صدور چک بلامحل و نادیده گرفتن قراردادهای نهادی و قانونی سنجیده شد. بنابراین در یافته‌های تحقیق حاضر که به صورت پیمایشی اجرا شد مشخص گردید که ۹۰ درصد از شهروندان در طول ۶ ماهه دوم سال ۱۳۸۳ حداقل یکبار قانون‌گریزی داشته‌اند و ۱۶ درصد فقط یکبار قانون‌گریزی کرده‌اند. اگر قانون‌گریزی را نوعی کج‌روی به حساب بیاوریم و طبق نظریه کولی تبیین کنیم می‌توانیم ادعا کنیم که ۱۶ درصد از شهروندان دچار قانون‌گریزی اولیه شده‌اند ولی ۷۴ درصد از شهروندان دچار قانون‌گریزی ثانویه شده‌اند. یعنی عمل قانون‌گریزی را استمرار می‌بخشند و در این میان به ارزیابی‌های محیطی و منابع کنترل می‌پردازند و اگر مکانیسم‌های نظارت وجود نداشته باشد احتمال تکرار قانون‌گریزی وجود دارد که چنین وضعیتی از نظر آماری یک آسیب اجتماعی جدی تلقی می‌شود. اما با بررسی شیوع قانون‌گریزی شهروندان ملاحظه شد که مصادیق و شیوع قانون‌گریزی‌ها از وضعیت اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و ادراکات شهروندان تبعیت می‌کند. از این‌رو در تبیین نظری قانون‌گریزی مشخص گردید که تضاد اقتصادی - اجتماعی و شیوع فقر مهم‌ترین عامل رفتارهای قانون‌گریزی است و این نه به دلیل عوامل روان‌شناختی است بلکه به علت محدودیت‌هایی است که از طریق طبقه مسلط بر ابزار و نهادهای قدرت بر طبقه پائین و فقرا اعمال می‌شود و قوانین دارای کارکردهای مساوی برای همه طبقات نیستند و توانمندی‌های طبقات مختلف مورد توجه قرار نمی‌گیرند. در امتداد نظریه تضاد چمبرز نیز معتقد است نوسانات شدید اقتصادی و بی‌هنجاری اقتصادی شکاف طبقاتی را افزایش می‌دهد که در این حالت اکثریت افراد جامعه قادر به تأمین نیازمندی‌های خود نمی‌شوند و در تله فقر گرفتار می‌شوند که این نیز بر ناتوانی، بی‌قدرتی، عدم هنجارپذیری آنان می‌افزاید. (چمبرز، ۱۹۹۸: ۸۳) مرتن نیز در نظریه ساختاری فرصت استدلال می‌کند که برای مردم فقیر ابزار و اهداف اجتماعی بر هم منطبق نیستند بنابراین این گروه به روش‌های جدید سعی بر انطباق اجتماعی می‌نمایند و برای تطبیق‌پذیری رفتارهای غیرقانونی را برای پاسخگویی به تقاضاها و رفع نیازهای خود ضروری می‌دانند. (مؤمنی، ۱۳۸۱: ۳۲)

از نظر مرتن این گروه از افراد (فقرا) با توجه به نیازها، باورها، اعتقادات و قدرت تفکر و تحلیل خود بر رفتارهای قانون‌گریزانه صحنه می‌گذارند و آن را به‌عنوان اخلاق به‌طور ناخودآگاه دنبال می‌کنند. (همان: ۳۳) در نتیجه به انواع فرافکنی‌ها و تکنیک‌های خنثی‌سازی متوسل می‌شوند و قانون‌شکنی را حق عقب‌ماندگی یا ناتوان بودن فرد می‌دانند که می‌توانند به بازده مثبت برسند. (صالحی، ۱۳۷۸: ۱۰۷) ساترلند چنین

وضعیتی را براساس الگوی انتقال فرهنگی تبیین کرده است که باعث گسترش قانون‌گریزی و شیوع قانون‌گریزی به عنوان شکل‌گیری آسیب اجتماعی مطرح می‌کند. (گر، ۱۳۷۹: ۲۴)

در ادامه مباحث فوق و طبق تبیین جغرافیایی و بوم‌شناختی قانون‌گریزی نیز برگس به مناطق انتقالی در حوزه‌های شهری توجه کرده است و با آسیب‌شناسی مناطق شهری تأیید کرد که مناطق ویژه‌ای با مشخصات سطح بالایی تحرك، تراکم جمعیت، ویرانی خانه‌ها، تنگ بودن کوچه‌ها و خیابان‌ها، پائین بودن سطح بهداشت عمومی و وجود گروه‌های خردفرهنگی همراه با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پائین ساکنان این مناطق مشخص می‌شود. (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۹-۵۸) بنابراین در نظریه‌های ارائه شده مشخص گردید که فقر نه تنها در ابعاد اقتصادی بلکه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی در زمینه‌سازی اعمال قانون‌گریزانه اهمیت بسزایی دارد و متغیرهای تعدیل‌کننده‌ای مانند نداشتن الگوی زندگی مدنی، ضعف اعتقادات دینی، بی‌سوادی و کم‌سوادی و آشنا نبودن با الگوهای شهروندی قانون‌گریزی را افزایش می‌دهد.

با توجه به مبانی نظری فوق در تحقیق حاضر نیز ارتباط فقر با قانون‌گریزی، شهروندگرایی و نگرش به قانون بررسی شد که در نتیجه مشخص گردید سطح قانون‌گریزی در طبقه پائین جامعه بیشتر از سایر طبقات است. در نتیجه تلقی مثبت از ابزارهای نظم‌دهی و قوانین نیز در جامعه در طبقه پائین کمتر است ضمن آن‌که در گروه طبقه پائین مهارت‌های لازم برای شهروندگرایی نیز بسیار پائین‌تر از طبقه متوسط و بالایی جامعه بود که این یافته نظریه مرتن و ساترلند را تأیید می‌کند و مطابق با نظریه آن‌هاست.

همچنین یافته اخیر با نظریه برگس نیز مطابقت دارد چرا که از نظر برگس قانون‌گریزی نتیجه تعاملات فرهنگی و زیستی است که در طبقه پائین بیشتر مصداق دارد.

طبق مدل رگرسیونی مشخص شد که بسترهای لازم برای قانون‌گریزی به ادراکات و نگرش‌های مثبت افراد به پیرامون محیطشان بستگی دارد. زیرا در درون همه طبقات سطحی از قانون‌گریزی وجود دارد ولی تکرار و شیوع آن در طبقه پائین به دلیل وجود ابعاد دیگری از فقر شدت بیشتری دارد. این عوامل عبارتند از فقر شهروندی و بیگانگی نسبت به قانون (نگرش منفی به قانون) که مکانیسم خنثی‌سازی را در بین آن‌ها فعال می‌کند و قانون‌گریزی را زرنگی تلقی می‌کنند که به راحتی نزد سایر افراد گروه خود مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

در این مطالعه مشخص شد که ضعف مبانی دینی و گرایشی افراد نیز مستعدکننده قانون‌گریزی است و در مواردی که افراد دارای مهارت‌های لازم برای تعاملات

اجتماعی نباشند عامل کنترل‌کننده درونی (دین) مانع ارتکاب اعمال انحرافی و قانون‌گریزی می‌گردد. چرا که از نظر نگرش دینی بین طبقات تفاوت معنی‌دار وجود نداشت ولی تأثیرگذاری نگرش دینی برای پیشگیری از اعمال قانون‌گریزانه در طبقه پائین بالاتر از طبقات بالاست زیرا در طبقه بالا مهارت‌های شهروندی بیش از نگرش دینی در پیشگیری از اعمال قانون‌گریزانه اهمیت دارد.

۷) پیشنهادهای عملی

الف) شهروندگرایی و مهارت‌های شهروندی در پیشگیری از اعمال قانون‌گریزانه اهمیت بسزایی دارد بنابراین لازم است تا از طریق فعال‌سازی انجمن‌های محلی و یا تشکل‌های غیردولتی با حمایت سازمان ملی جوانان برای جوانان و کانون‌های فرهنگی مساجد برای عموم شهروندان بتوان الگوی ارتباطات غیررسمی و هنجارمند را فراهم آورد تا از این طریق نظارت‌های غیررسمی جایگزین نظارت رسمی گردد.

ب) قانون‌گریزی بر اساس عمل خنثی‌سازی تشدید می‌شود بنابراین لازم است از طریق اطلاع‌رسانی رسانه‌ای موارد قانون‌گریزی همراه با پیامدهای آن برای افراد از طریق شبکه‌های محلی گزارش شود تا در نزد افراد پیامدهای منفی قانون‌گریزی بیش از پیامدهای مثبت آن جلوه نماید.

ج) از آن‌جا که بخشی از اعمال قانون‌گریزانه در نتیجه احساس فاصله بین افراد طبقات پائین با سایر طبقات و نهادهای تنظیم‌کننده روابط است بنابراین لازم است از طریق شبکه‌های محلی و با مدنظر گرفتن برنامه‌های خاص و مستمر مشکلات و مسائل این مناطق (فقیر) از طریق دوربین نمایش داده شود و مردم به ابراز احساسات و مشکلات خود بپردازند تا این‌که احساس محرومیت نسبی آنان در قالب اعمال خرابکارانه فعال نشود و احساس ناکامی‌ها در قالب بیانات شفاهی تخلیه شود.

د) پیشنهاد می‌شود به دلیل محدودیت منابع برای تمرکززدایی و توجه یکسان به توسعه همه مناطق، حتی اگر قرار است خدمات عمرانی، زیربنایی و یا رفاهی به مناطق ارائه شود از طریق نیازسنجی و بسیج اهالی هر منطقه (مخصوصاً مناطق فقیرنشین) مشارکت در برنامه‌ریزی اجرا شود تا افراد احساس تعلق بیشتری به محیط و تعاملات خود در محیط داشته باشند تا از مصادیق قانون‌گریزی کاسته شود.

ه) در این بررسی مشخص شد که فقر فرهنگی مانند داشتن خانواده ناقص و یا کم‌سواد نقش عمده‌ای در قانون‌گریزی داشته است بنابراین لازم است تا از سنین ۷ سالگی افراد دارای این موقعیت مستقیماً در حمایت سازمان بهزیستی هلال‌احمر و یا ارشاد اسلامی و حتی سازمان ملی جوانان قرار گیرند تا بخشی از احساس ناتوانی و کم‌توجهی آنان رفع شود و زمینه جامعه‌پذیری آنان در قالب نهادهای اجتماعی صورت

گیرد زیرا عدم جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری مناسب نقش عمده‌ای در قانون‌گزینی دارد.

(و) توجه به مسئله قانون‌گزینی و قانون‌سنجی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی آسیب‌زا با سایر پدیده‌ها و مسائل اجتماعی همچون عقب‌ماندگی، بیکاری، نابرابری‌های رتبه‌ای و رابطه‌ای، فقر و محرومیت، تبعیض و تعارض جنسی، قومی، مذهبی، ارتشاء و اختلاس، اعتیاد، طلاق و از هم‌پاشیدگی روابط گرم خانوادگی، سرگردانی و حاشیه‌نشینی و سایر مسائل مرتبط است. بنابراین اقدام در جهت تقویت قانون‌گرایی باید هماهنگ با تقویت عوامل و تضعیف موانع آن باشد که در این بین مشارکت حقیقی و همه‌جانبه مردم باید از طریق تقویت نهادهای مدنی و رسانه‌ای و حتی آزادی مطبوعات و احزاب شکل گیرد.

۱. ابطی، سیدمصطفی. (۱۳۷۵)، نقش فرهنگ سیاسی در فقدان قانون‌پذیری در جامعه، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان.
۲. اتان بی، کاپشتاین. امنیت ملی و توسعه اقتصادی، ترجمه واحد فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم.
۳. آراسته‌خو، محمد. (۱۳۷۴)، تأمین و رفاه اجتماعی، انتشارات پیام نور، تهران.
۴. ارسطو، (۱۲۷۰)، اصول حکومت آتن. ترجمه محمدابراهیم پاریزی. چاپ سوم، تهران. شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۵. پیمانی، ضیاءالدین. جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی.
۶. جلالی‌مقدم، مسعود. (۱۳۷۹)، درآمدی بر جامعه‌شناسی دین و آراء جامعه‌شناسان بزرگ دین، تهران. نشر مرکز.
۷. چلی، مسعود. (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، نشر نی. چاپ اول، تهران.
۸. چمبرز، رابرت. (۱۹۹۸)، توسعه روستائی، اولویت بخشی به فقرا. ترجمه مصطفی ازکیا. انتشارات دانشگاه تهران.
۹. دواس، دی‌ای. (۱۳۷۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، نشر نی. چاپ اول. تهران.
۱۰. روشندل، جلیل. (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، انتشارات سمت. تهران.
۱۱. روزنامه اطلاعات شماره‌های ۲۱۴۸۷، ۲۱۴۸۶، ۲۱۴۸۹.
۱۲. روزنامه همشهری، شماره ۱۷۰۲، ۱۳۷۷/۹/۵.
۱۳. سابق، ی. چالش‌های مطرح برای قوام دولت در کشورهای جهان سوم، ترجمه مصطفی ایمانی؛ اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۶-۱۲۵.
۱۴. سلطانی، ایرج. (۱۳۸۱)، نقش و تأثیر قانون‌گرایی در بهداشت روانی جامعه، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵۴-۱۵۳.
۱۵. شاهکار، عبدالحسین. (۱۳۷۸)، قانون‌گرایی و جامعه مدنی، نشریه کار و کارگر، آبان ماه ۱۳۷۸.
۱۶. شهیدی، محمدحسن. (۱۳۷۵)، موادمخدر، امنیت اجتماعی و راه سوم، انتشارات اطلاعات. تهران.
۱۷. صالحی، مصطفی. (۱۳۷۸)، عوامل و موانع قانون‌گرایی، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۲۱-۲۰.
۱۸. ضمیمه روزنامه رسمی دادگستری جمهوری اسلامی، شماره ۶۳۴.
۱۹. طالب، مهدی. (۱۳۶۸)، تأمین اجتماعی، انتشارات آستان قدس، تهران.
۲۰. عبداللهی، محمد. (۱۳۷۸)، موانع قانون‌گرایی در ایران، نشریه فرهنگ عمومی، شماره ۲۱-۲۰.
۲۱. عظیمی، حسین. (۱۳۷۱)، مدارهای توسعه و توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشر نی. چاپ دوم. تهران.
۲۲. علیخواه، فردین. (۱۳۸۲)، علل و عوامل قانون‌گزینی، نشریه انتخاب.

شهریور ۱۳۸۲.

۲۳. فکور، علی. (۱۳۷۸)، قانون، قانون‌گرایی و گروه‌های اجتماعی، نشریه فرهنگ عمومی. شماره ۲۱-۲۰، ۹۸-۹۴.
۲۴. فراستخواه، مقصود. (۱۳۷۵)، دین و امنیت؛ خلاصه مقالات سمینار توسعه و امنیت عمومی. تالار علامه امینی دانشگاه تهران.
۲۵. قاضی طباطبائی، محمود. (۱۳۷۱)، تکنیک‌های خاص تحقیق، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۶. کلمن، جیمز. (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری. تهران. نشرنی.
۲۷. گر، تدرابرت. (۱۳۷۹)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ دوم. تهران.
۲۸. ماهروی، ابوالحسن. (۱۳۸۱)، حقوق و تکالیف شهروندی و قانون‌گریزی شهروندان، نشریه عدالت. شماره ۱۵.
۲۹. ممتاز، فریده. (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی، شرکت سهامی انتشار. چاپ اول. تهران.
۳۰. مؤمنی، پروین. (۱۳۸۱)، قانون‌گریزی - علل و عوامل آن، نشریه وکالت. شماره ۵.
۳۱. میلر، دلبرت‌سی. (۱۳۸۰)، راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی. نشر نی. تهران.
32. Downes David. (1999), "**Crime and Deviance**" In Taylor Steve ed., "Sociology Issues and Debates", London: Macmillan Press, P.P. 231-252.
33. Liska Allen E. and Messner stenen F. (1999), "**Perspectives on crime and Deviance**", New Jersey: Prentice Hall.
34. Miguel Melissa. (2001), "**John Hagan's Power Contral Theory**", www.criminology.FSU.edu/crimtheory/hagan.htm.
35. Richards; M & WBLLS; A. (2004), "**Impacts of illegality & barriers to legality**", Henduras, International Forestry Review.
36. Sampson, E.E. (1969), "**Studies in Status Congruence**". In Berkowitz, L.(ed). Advances in Experimental social psychology. Academic press. NewYork.
37. Smith, D.M.(2000), "**Moral Geographies: Ethics in a world of difference**". Edinburgh University Press: Edinburgh.
38. Webster, Andrew. (1990), "**Introduction to the Sociology Development**"; Mac milian.
39. Wendorf, C.A., Alexander, s. and Firestone, I.J. (2002), "**Social Justice and moral reasoning: An Empirical integration of two paradims in psychological research**". Social Justice Research, Vol.

